

راهبرد روسیه در قطب شمال

دانیال رضاپور^۱

چکیده

اهمیت قطب شمال از زمانی نمایان شد که روسیه یک فروند زیر دریایی خود را در دوم اوت سال ۲۰۰۷ به ژرفای ۴۲۶۱ متری اقیانوس منجمد شمالی فرستاد و پرچم این کشور را در بستر این اقیانوس نصب کرد. روسیه، علاوه بر برخورداری از بیشترین مرز با قطب و بیشترین حجم منابع تخمین زده شده در این منطقه و بزرگ‌ترین ناوگان یخ‌شکن جهان، به دلیل موقعیت جغرافیایی منحصر به فرد قطب شمال نسبت به آن از لحاظ اشراف بر مناطق مختلف این کشور برای هرگونه حمله نظامی احتمالی، جایگاه راهبردی و استراتژیک نیز دارد. هدف اصلی پژوهش ردیابی ماهیت و نقش قطب شمال در سیاست‌های راهبردی روسیه و سؤال اصلی پژوهش پیرامون اصول و ماهیت راهبردی سیاست‌های روسیه در منطقه قطب شمال است؟ در پاسخ به این سؤال با توجه به اصل تبیین راهبردها بر اساس منافع در چارچوب قدرت این فرضیه مطرح است که راهبردهای روسیه در این منطقه، مبتنی بر شرایط و منشأ و منبع تهدید است و شامل مجموعه‌ای از راهبردهای برگرفته از سیاست داخلی در قبال بهره‌گیری از منافع اقتصادی و محیط‌زیستی، سیاست خارجی شامل راهبرد تنش و واکنش شدید در مواجهه با تهدیدات ناشی از هژمون (گسترش ناتو) و متحدان آن و راهبرد ائتلافی با بازیگران فرامنطقه‌ای (چین) است. روش بر توصیف و تحلیل داده‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

واژگان کلیدی:

قطب شمال، روسیه، سیاست داخلی و خارجی، بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای.

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۹

^۱. استادیار روابط بین‌الملل گروه علوم سیاسی دانشگاه گیلان، گیلان، جمهوری اسلامی ایران. danyalrezapoor@gmail.com

مقدمه

در قرن پانزدهم، اروپاییان سه مسیر دریایی جدید در قطب شمال شناسایی کردند: گذرگاه شمال غربی از مجمع‌الجزایر شمالی قاره آمریکای شمالی، گذرگاه شمال شرقی از خط ساحلی شمال اوراسیا و یک مسیر ترانس قطبی در سراسر اقیانوس منجمد شمالی (Spufford, 1996). اگرچه فعالیت در مسیر ترانس قطبی و گذرگاه شمال غربی در قرن بیستم به شدت پایین بود؛ اما گذرگاه شمال شرقی برای اتحاد جماهیر شوروی بسیار حیاتی تلقی می‌شد. سیاست‌گذاران شوروی معتقد بودند که با توسعه مسیر دریای شمال، اتحاد جماهیر شوروی کوتاه‌ترین مسیر را بین اقیانوس اطلس شمالی و اقیانوس آرام شمالی خواهد داشت و مزیت استراتژیک قابل توجهی به دست می‌آورد. کنترل شوروی بر این مسیر همچنین امکان انتقال نامحدود منابع اقتصادی در سراسر قلمرو وسیع آن را فراهم می‌کرد؛ زیرا مسیر دریایی شمال^۱ در امتداد سواحل قطب شمال روسیه قرار داشت و اولین مسیر دریایی بود که ضمن عاری بودن از یخ، بالاترین پتانسیل تجاری را دارا بود (Sharpm 314: 2011). با حرکات استراتژیک کرملین، یامال توانست محموله ال‌ان‌جی خود را در مدت زمان کوتاه‌تری از این مسیر به آسیا برساند. به لطف محموله ال‌ان‌جی که در زمان کوتاه‌تری به آسیا می‌رسید، هزینه‌ها کاهش و اهمیت قطب شمال برای آسیا افزایش یافت. همچنین سفر دریایی بین آسیای شرقی و اروپای غربی با استفاده از کانال سوئز را از ۲۱۰۰۰ کیلومتر به ۱۲۸۰۰ کیلومتر و زمان ترانزیت را تا ۱۵ روز کاهش می‌داد (Cargo-partner, 2015). علاوه بر این، در دوران اتحاد جماهیر شوروی مسیر دریای شمالی برای منافع نظامی و امنیتی مورد استفاده قرار می‌گرفت.

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در اوایل دهه ۱۹۹۰، تا حدودی این منطقه رو به فراموشی رفت اما از اواخر دهه ۲۰۰۰ دوباره اهمیت استراتژیک این منطقه برای کرملین شد. علی‌رغم این واقعیت که اولین سند راهبردی در سپتامبر ۲۰۰۸ در زمان ریاست جمهوری دیمیتری مدودف در قبال قطب شمال تصویب شد اما نگرش به این منطقه با روی کار آمدن ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۰۰ به طرز چشمگیری تغییر کرد. او کسی بود که وظیفه بازگرداندن توسعه و کنترل‌پذیری مناطق قطب شمال روسیه را تعیین و مسائل مربوط به توسعه منطقه قطب شمال را در سطح یک پروژه ملی مطرح کرد. دلیل اهمیت شمالگان برای روس‌ها به این خاطر است که اولاً مساحت روسیه چهار میلیون کیلومتر مربع

^۱. NSR

در قطب شمال است. همچنین ۲۰ هزار کیلومتر از مرز ملی فدراسیون روسیه از قطب شمال می‌گذرد؛ ثانیاً قطب شمال از نظر منابع بسیار غنی و از نظر نظامی مهم‌ترین محرک تقویت موقعیت‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی مسکو محسوب می‌شود. همچنین روسیه به‌طور فعال در حال توسعه اقتصاد مناطق قطب شمال است: ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی روسیه و ۲۰ درصد از صادرات روسیه در حال حاضر در قطب شمال می‌باشد. امروز نزدیک به ۶۰ میدان هیدروکربنی بزرگ در این منطقه واقع شده که از میان آن‌ها ۴۳ میدان به روسیه تعلق دارد. به همین خاطر، شرکت‌های روس بیشترین امید خود را به مناطق شمالی کشور بسته‌اند و قصد دارند فعالیت‌های خود را در منطقه افزایش دهند. بنابراین برای روسیه، قطب شمال سرزمینی دوردست با آب و هوای سخت و شرایط زندگی دشوار نیست، بلکه بخشی کاملاً یکپارچه از قلمرو ایالتی است که اداره آن جزء اهداف راهبردی سیاست مدرن روسیه است (Baev, 2018: 408-424).

با توجه به آنکه روسیه مالک ۶۰ درصد از سواحل و ۸۰ درصد از منابع انرژی منطقه قطب شمال است، کنش‌های خود را نسبت به منطقه قطب شمال هم از نظر علمی و هم از نظر سیاسی افزایش داده و در سال ۲۰۱۵ کمیسیون توسعه قطب شمال را تأسیس کرده است. روسیه با پیش‌بینی‌های خود در قبال قطب شمال، یک برنامه ۲۰ساله توسعه را ایجاد و چشم‌انداز خود را در قطب شمال تا سال ۲۰۳۵ ترسیم کرده است. بر اساس چشم‌انداز ۲۰۳۵ روسیه، منطقه قطب شمال به‌عنوان یک منطقه ژئواستراتژیک در مورد منابع انرژی و مسیرهای ترانزیتی مورد استفاده روسیه قرار می‌گیرد. این کشور می‌خواهد از طریق مسیرهای ترانزیتی به‌عنوان پلی بین آسیا و اروپا عمل کند و با استفاده چین از دروازه شمالی برای رسیدن به بازار اروپا، پویایی منطقه قطب شمال را افزایش دهد (Güçyetmez, 2021, 29-41). علاوه بر این، کرم‌لین از تنوع انرژی در منطقه آگاه است و اهداف استراتژیک خود را بر این اساس برنامه‌ریزی کرده است. روسیه در مجموع ۴۰ کشتی پیشرفته دارد و با ۸ کشتی یخ‌شکن هسته‌ای سلطه خود را در قطب شمال حفظ کرده است. روسیه که چشم‌انداز ۲۰۳۵ آن مبتنی بر تسلط دریایی است، به ساخت یخ‌شکن‌های جدید برای افزایش این سلطه ادامه خواهد داد. کرم‌لین با تسلط دریایی خود نه‌تنها توانسته است بر شرایط سخت زمستانی قطب شمال غلبه کند؛ بلکه مهم‌تر از آن، بر سیاست‌های راهبردی سایر کشورهای هم‌مرز با قطب شمال نیز تا حدودی تأثیر گذاشته است (Gucyetmen, 2023: 7).

امروزه علاقه فزاینده‌ای به قطب شمال از سوی جامعه جهانی از جمله کشورهای غیرقطبی وجود دارد و مسئله تحقیق بدین‌گونه است که روسیه با در نظر گرفتن حوزه امنیتی خود نمی‌تواند این عامل را در برنامه‌های توسعه‌ای برای این منطقه نادیده بگیرد. همچنین در حال حاضر، قطب شمال روسیه نه تنها در عرصه بین‌المللی (حضور امنیتی آمریکا، فعالیت‌های نظامی و گسترش ناتو، فعالیت کشورهای غیرقطبی در منطقه همانند چین و تحریم‌ها) با چالش‌های جدی مواجه است؛ بلکه تعداد زیادی از مشکلات در سیاست داخلی (خروج جمعیت، بودجه ناکافی پروژه‌های قطب شمال، زیرساخت‌های توسعه ضعیف و غیره) نیز پیش روی خود دارد. کارشناسان خاطرنشان می‌کنند که موضع دولت روسیه در قبال سرزمین‌های قطب شمال مخصوصاً بعد از سال ۲۰۲۲ هنوز برای جامعه غربی نامشخص است. زیرا سیاست‌ها و اقدامات نظامی روسیه در شمالگان و افزایش کشتیرانی و اهمیت این منطقه برای جاه‌طلبی‌های استراتژیک کلی پوتین و از سوی دیگر ناوگان شمالی روسیه شامل زیردریایی‌هایی که قادر به پرتاب موشک‌های بالستیک با کلاهک هسته‌ای هستند و شمال غربی قطب شمال روسیه برای استراتژی بازدارندگی هسته‌ای آن در مقابل ناتو بسیار حیاتی است و مشخص نیست قصد مسکو از این سیاست‌ها به صورت مشخص چیست.

از این‌رو، افزایش تمرکز نظامی روسیه بر قطب شمال، به‌ویژه از زمان الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴، کشورهای ناتو را به سمت شمال سوق داده است. همچنین پس از حمله روسیه به اوکراین در فوریه ۲۰۲۲، محیط امنیتی در قطب شمال متشنج‌تر شده است و هر گونه امیدی که در بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۰ برای از سرگیری گفت‌وگوهای امنیتی با روسیه در قطب شمال پدیدار شده بود، با اعمال تحریم‌ها علیه روسیه و اختلال مداوم در مذاکرات از بین رفته است. در سال ۲۰۲۲، فنلاند و سوئد تصمیم گرفتند به ناتو بپیوندند. این امر اختلافات و سرریز تنش‌ها در منطقه را بیشتر کرد، زیرا با این عضویت هفت کشور از هشت کشور قطب شمال عضو ناتو خواهند بود (شکل ۱) (Østhagen, 2023: 7). در نتیجه با چنین رخدادهایی برخی از کارشناسان، سیاست فعلی روسیه در قطب شمال را در قالب تجدیدنظرطلبانه و حتی نظامی‌سازی ارزیابی می‌کنند.

شکل ۱: هفت کشور عضو ناتو در منطقه قطب شمال



Source: GÜÇYETMEZ, 2023

هدف مقاله پیش رو ردیابی ماهیت و نقش قطب شمال در سیاست‌های راهبردی روسیه به‌منظور کشف نسبت آن با سه مقوله اسناد استراتژیک ملی، راهبرد داخلی و اولویت‌های بین‌المللی مسکو است. اهمیت این پژوهش هم به این دلیل است که فدراسیون روسیه یک واحد سیاسی ویژه متفاوت از جهان پیرامون خودش مخصوصاً قطب شمال است و این افتراق فی‌نفسه مهم است که سیاست‌های راهبردی این کشور را برای تعامل بهتر، ارتباطات مؤثرتر و بهره‌برداری مناسب‌تر از روابط با روسیه در قبال همسایگانش بشناسیم؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش پیرامون اصول و ماهیت راهبردی سیاست‌های روسیه در منطقه قطب شمال است؟ در پاسخ به این سؤال و با توجه به اصل تبیین راهبردها بر اساس منافع در چارچوب قدرت این فرضیه مطرح است که راهبردهای روسیه در این منطقه با توجه به تحول در ماهیت مسائل، مبتنی بر شرایط و منشأ و منبع تهدید است و شامل مجموعه‌ای از راهبردها از جمله راهبردهای برگرفته از سیاست داخلی در قبال بهره‌گیری از منافع اقتصادی و محیط‌زیستی و سیاست خارجی شامل راهبرد تنش و واکنش شدید در مواجهه با تهدیدات

ناشی از هژمون (گسترش ناتو) و متحدان آن و راهبرد ائتلافی با بازیگران فرمانطقه‌ای (چین) است.

این مقاله مبتنی بر روش توصیفی - تحلیلی بوده، روش جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به‌طور کلی بر مبنای روش کتابخانه‌ای است. در روش کتابخانه‌ای بیشتر بررسی و مطالعه کتب داخلی و خارجی مربوط، مجلات و فصلنامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مورد تأکید قرار گرفته است. پس از گردآوری و طبقه‌بندی اطلاعات، تجزیه و تحلیل آن‌ها به‌طور عمده از طریق توصیف و مبتنی بر تفکر، منطق و استدلال صورت گرفته است. سازماندهی پژوهش بدین‌گونه است که بعد از ارائه پیشینه تحقیق و ادبیات نظری، بخش اول به‌صورت مختصر به تحلیل مقایسه‌ای اسناد استراتژیک اساسی روسیه در قبال قطب شمال از سال ۲۰۰۸ اختصاص می‌یابد. سپس در بخش دوم نویسنده به بررسی سیاست‌های داخلی روسیه در قبال قطب شمال می‌پردازد. بخش آخر مقاله به ارزیابی اولویت‌ها و چشم‌اندازهای سیاست خارجی روسیه در شمالگان با نگاهی به ایالات متحده آمریکا، گسترش ناتو و حضور چین در این منطقه تا سال ۲۰۲۴ اختصاص دارد.

پیشینه پژوهش. رونالد اورک و همکاران (۲۰۲۴) در طرح پژوهشی "تغییرات در قطب شمال: پیشینه و مسائل برای کنگره (آمریکا)" معتقدند پس از پایان جنگ سرد، کشورهای قطب شمال به دنبال حفظ جایگاه قطب شمال به عنوان منطقه همکاری دارای تنش پایین و حل مسالمت‌آمیز اختلافات و احترام به قوانین بین‌المللی بودند. در طی ۱۰ تا ۱۵ سال گذشته، ظهور رقابت قدرت‌های بزرگ بین ایالات متحده، روسیه و چین عناصر رقابت و تنش را در محیط ژئوپلیتیک قطب شمال وارد کرده است. جنگ روسیه در اوکراین که از ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ آغاز شد، با واداشتن فنلاند و سوئد برای عضویت در ناتو، بر محیط ژئوپلیتیک منطقه تأثیر گذاشت و هفت کشور قطب شمال به غیر از روسیه را وادار کرد تا اکثر اشکال همکاری قطب شمال با روسیه را به حالت تعلیق درآورند. همچنین در قسمت دیگری از این پژوهش با توجه به تغییرات اقلیمی به دلیل گرم شدن دما، احتمالاً امکان اکتشاف بیشتر نفت، گاز و مواد معدنی در خشکی و فراساحل را فراهم می‌کند که این تغییرات باعث رقابت‌ها و چالش‌های گسترده‌تری در شمالگان خواهد شد (O'Rourke et all, 2024).

رایمندی در مقاله "نقش قطب شمال در استراتژی انرژی روسیه" به‌صورت خیلی دقیق نیازهای روسیه را که به‌شدت به بخش هیدروکربن و درآمد آن وابسته است و با چالش‌های متعدد داخلی و خارجی مواجه است، بررسی می‌کند. از منظر نگارنده قطب شمال اهمیت

روزافزونی از جنبه انرژی، سیاسی و استراتژیک برای روسیه پیدا کرده است و در همین راستا مسکو اسناد متعددی را تهیه و منتشر کرده است که اهداف و چشم‌انداز توسعه این منطقه را خواستار است. توسعه منابع قطب شمال عمیقاً با سایر منافع ملی مانند توسعه مسیر دریای شمال و صنعت کشتی‌سازی درهم‌تنیده است از این رو قطب شمال به نیروگاهی برای جاه‌طلبی‌های ال‌ان‌جی روسیه که توسط نواتک پشتیبانی می‌شود، تبدیل شده است. روسیه از زمان از دست دادن بازار اصلی گاز خود، اروپا، حتی فوریت بیشتری برای توسعه ال‌ان‌جی دارد و برای افزایش تولید و صادرات ال‌ان‌جی، تصمیم به آزادسازی صادرات آن گرفته است که این امر بر تغییر رفتار ترجیحی بین گازپروم و نواتک تأکید دارد. برای دستیابی کامل به اهداف خود، روسیه با چالش‌های شدیدی مانند کمبود محموله‌های گاز و تحریم‌های فزاینده بین‌المللی مواجه است که می‌تواند جاه‌طلبی‌های روسیه را به میزان قابل توجهی تضعیف کند. صنعت انرژی روسیه باید با شرایط بین‌المللی جدید که با پایان یافتن پل انرژی با اروپا و تحریم‌های شدید بین‌المللی مشخص می‌شود، سازگار شود. در این راستا رایمندی معتقد است که قطب شمال می‌تواند به انتقال انرژی عمدتاً به شکل هیدروژن آبی/آبی/آمونیاک و مواد معدنی حیاتی کمک کند؛ اما تحولات بین‌المللی کنونی، برنامه‌های هیدروژنی روسیه را متوقف کرده است (Raimondi, 2024).

آندریاس اوستاگن در مقاله‌ای با عنوان "قطب شمال پس از حمله روسیه به اوکراین: افزایش خطر درگیری و تهدیدات ترکیبی" معتقد است که تجاوز نظامی روسیه به اروپا اهمیت قطب شمال - به‌ویژه شمال مرتفع اروپا - را در دستور کار امنیت بین‌المللی قرار داده است. حضور و علاقه کشورهای ناتو به شمال مرتفع احتمالاً در سال‌های آینده نیز بیشتر خواهد ماند. نگارنده با این حال بعید تلقی کرده است که روسیه وارد درگیری مستقیم در منطقه شود و هیچ مناقشه در مقیاس بزرگ در قطب شمال که ممکن است باعث نگرانی فوری شود، رخ نخواهد داد. در عوض، پتانسیل تشدید درگیری مربوط به حوادث ناخواسته یا اقدامات عمدی در مقیاس کوچک به‌عبارت‌دیگر، عملیات تهدید ترکیبی است. در این راستا، حوزه دریایی و به‌طور مشابه جوامع قطب شمال به‌ویژه در معرض فعالیت‌های خرابکارانه روسیه قرار خواهند گرفت (Østhagen, 2023).

وینکل در مقاله "اثرات جنگ اوکراین بر قطب شمال" معتقد است اگرچه جنگ روسیه علیه اوکراین مستقیماً به قطب شمال گسترش نیافته است؛ اما این درگیری وضعیت را برای همیشه در قطب شمال تغییر داده است. همکاری نزدیک قبلی در شورای قطب شمال به

حالت تعلیق در آمده است که پیامدهای گسترده‌ای برای تحقیقات آب‌وهوا و محیط زیست در قطب شمال دارد. علاوه بر این، پیوستن فنلاند و ورود قریب‌الوقوع سوئد به ناتو، وضعیت منطقه را متشنج‌تر خواهد کرد و پیامدهایی برای احساس امنیت روسیه دارد و باعث نظامی‌سازی مجدد مسکو می‌شود. همچنین انزوا و تحریم‌ها علیه روسیه به احتمال زیاد منجر به اتکای بیشتر روسیه به سرمایه‌گذاری چینی به ویژه برای اجرای پروژه‌های پیچیده خود در شمال دور خواهد شد که این امر نفوذ چین در قطب شمال را افزایش می‌دهد و می‌تواند منجر به تنش‌های بیشتر با کشورهای غربی شود؛ بنابراین تجدید همکاری بین کشورهای غربی و روسیه در این مرحله قابل پیش‌بینی نیست و رقابت در قطب شمال بین این دو بلوک تشدید خواهد شد.

علاوه بر این، پروژه‌های زیربنایی به دلیل کاهش همکاری‌ها و سرمایه‌گذاری‌های غربی متوقف یا به تعویق افتاده است. اگر منابع به دلیل تغییرات آب‌وهوایی در سال‌های آینده در دسترس‌تر شوند، وضعیت بحرانی بین غرب و روسیه می‌تواند جدی‌تر شود. به‌طور کلی، جنگ علیه اوکراین به وخامت اوضاع در قطب شمال منجر شده و همکاری و هماهنگی میان کشورهای قطب شمال مختل و تنش‌ها افزایش یافته است (Winkel, 2023). با وجود فراوانی پژوهش‌های اشاره شده، در این آثار کمتر بر ابعاد و تأثیرهای داخلی و بین‌المللی راهبرد روسیه در قبال شمالگان پرداخته‌اند. تلاش ما بر این است که با استفاده از نظریه واقع‌گرایی راهبردی و خوانشی از گزاره‌های اصلی آن، امکان تحلیل و تبیینی جدید از مسئله اصلی نوشتار موجود را بیابیم.

چارچوب نظری. تحلیل سیاست‌های راهبردی روسیه در سال‌های اخیر و به‌ویژه در قطب شمال موضوعی است که نیازمند یک ظرف تحلیلی و مدل تبیینی غنی و ژرف است. برای این موضوع شاید نظریه‌های واقع‌گرایی بیش از هر مکتب دیگری بتوانند به ما کمک کنند. واقع‌گرایی از ابتدای قرن بیستم به صورت پارادایم مسلط در سیاست بین‌الملل ظاهر شده است به گونه‌ای که عملاً بسیاری از مساعی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل را تحت تأثیر خود قرار داده است. واقع‌گرایی شامل گونه‌های مختلفی می‌شود؛ اما همه آن‌ها مجموعه‌ای از مبانی بنیادین مشترک را در بر می‌گیرند. به صورت کلی واقع‌گرایان دولت‌هایی را که در پی منافع خود هستند، در یک محیط آنارشیک به تصویر می‌کشند که امکان وقوع جنگ و نابودی را نیز باید در چنین محیطی در نظر گرفت. به باور واقع‌گرایان ساختار بنیادین هرج و مرج در نظام بین‌المللی وجود دارد و این ساختار اصلی نیز به راحتی حتی در

بلندمدت قابل تغییر نیست. بر همین اساس آنان معتقدند امنیت و نظم از طریق توزیع با ثبات قدرت یا ایجاد موازنه شکل می‌گیرد. بر همین اساس طیف‌های مختلف واقع‌گرایی حول محور چندین گزاره اصلی می‌چرخند: دولت‌محوری. دولت‌ها بازیگران اصلی در نظام بین‌المللی هستند.

آنارشی. نظام سیاسی بین‌المللی آنارشیک است. عقلانیت. دولت‌ها در چارچوب منافع شخصی عقلانی در خود نظام بین‌الملل عمل می‌کنند. قدرت. دولت‌ها برای تضمین حفظ خود در پی قدرت هستند. مفهوم‌بندی پارادایم واقع‌گرایی از امنیت و تحلیل و تبیین آن بر مبنای اصول و مفروضه‌هایی دولت‌محوری، قدرت‌محوری، آنارشی و موازنه قوا سامان و سازمان می‌یابد. به‌گونه‌ای که روابط بین‌الملل بر پایه رقابت و کشمکش کشورها بر سر قدرت به جهت بقا در نظام بین‌الملل آنارشیک شکل می‌گیرد که آن را خواسته یا ناخواسته به موازنه‌سازی در برابر قدرت‌های برتر سوق می‌دهد. با این حال واقع‌گرایان همه این گزاره‌ها و مفروضات را به‌صورت یکسان نمی‌پذیرند. به‌طوری‌که در سایر موارد از مباحث معرفت‌شناختی و روش‌شناختی تا برداشت از سرشت دولت‌ها، انگیزه اصلی آن‌ها و... در میان واقع‌گرایان (سنتی، کلاسیک، نوگرا، ساختارگرا، ته‌اجمی، تدافعی، انگیزشی) تفاوت‌هایی وجود دارد (بیگدلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶)؛ بنابراین می‌توان نه از یک نظریه، بلکه از نظریه‌های مختلف در چارچوب مکتب یا نگرش واقع‌گرا سخن گفت. از این رو رویکردهای واقع‌گرا دربردارنده خوانش‌های مختلفی از سیاست بین‌الملل هستند. یکی از خوانش‌های مهم در حوزه مطالعات واقع‌گرای روابط بین‌الملل، نظریه یا خوانش واقع‌گرایی نوکلاسیک است که گیدئون رز ارائه کرده است.

واقع‌گرایی نوکلاسیک تلاش دارد تا ترکیبی از عناصر واقع‌گرایی کلاسیک و نواقص‌گرایی را با آمیختن ساختار در شرایط آنارشیک با عوامل مرتبط با مسائل داخلی دولت‌ها (مانند ایدئولوژی، شخصیت، ادراکات و دیگر عوامل تأثیرگذار بر سیاست خارجی) ارائه دهد. با بررسی مجموعه‌ای از آثاری که می‌توان آن‌ها را در قالب واقع‌گرایی نوکلاسیک طبقه‌بندی کرد، گیدئون رز شرح می‌دهد که آن‌ها متغیرهای داخلی و خارجی را ترکیب کرده و به‌وسیله آن دیدگاه‌های خاص نشأت گرفته از اندیشه واقع‌گرایی کلاسیک را نظام‌مند و به‌روز می‌کنند. در مطالعه رندال شوئلر پذیرفته می‌شود که رهیافت نوکلاسیک تحلیلی در مورد پدیده «موازنه ناقص» در نظام بین‌الملل است، موضوعی که آشکارا مرتبط به تحلیل موازنه قدرت است. به نظر او توجه به سیاست داخلی مناسب‌ترین راه برای تبیین این پدیده است.

دولت‌ها به‌طور کلی تلاش دارند تا بر ضد دیگر دولت‌ها موازنه ایجاد کنند، اما به دلایل مختلف الزاماً آن را صحیح نمی‌دانند. پدیده دیگر «موازنه برتر» است. این شکلی از رفتار افراطی است که شاید از فرض دشمن‌پنداری نشأت می‌گیرد که در آن سو ادراک تهدید واقعی بیشتر نشان داده می‌شود (سیفی، ۱۳۹۹: ۳).

رنالیسم نوکلاسیک این ایده را از رنالیسم ساختاری عاریه می‌گیرد که عوامل سیستماتیک، بعد کلی سیاست خارجی را تعیین می‌کند؛ اما این موضوع را نیز مدنظر قرار می‌دهد که متغیرهای داخلی در تصمیم‌گیری نهایی دخالت دارند. درحالی‌که توازن مادی نسبی پارامترهای سیاست خارجی را تعیین می‌کند، چرایی اینکه کشورهای مختلف یا کشورهای همسان سیاست خارجی مختلفی را در عرصه بین‌المللی دنبال می‌کنند را باید در متغیرهای داخلی جست‌وجو کرد. نئوکلاسیک‌ها اولین شاخه از رنالیسم هستند که به سطوح داخلی دولت‌ها توجه می‌کنند، چون دولت‌ها برای تأمین امنیت باید متکی به خود باشند. ادراک یا برداشت‌های آن‌ها از واقعیت‌های موجود نتایج حوادث سیاسی را مشخص می‌کند. اگرچه ویژگی‌های ساختاری نقش مهمی در تصمیم‌گیری و عمل بازی می‌کند؛ ولی متغیرهای داخلی در تشخیص اینکه دولت‌ها چگونه پاسخ خواهند داد، مهم است. نوکلاسیک‌ها عقیده دارد که متغیرهای سیستم بین‌المللی به‌صورت متفاوتی از سوی سایر کشورها ادراک می‌شود و این ادراک تأثیر بسزایی بر واکنش دولت‌ها دارد (نیاکویی و صفری، ۱۳۹۶: ۴-۵).

۱. اسناد استراتژیک روسیه در قطب شمال

روسیه یکی از اولین کشورهای قطب شمال بود که در پاسخ به واقعیت جدید جهانی، منافع ملی خود را در این منطقه ترسیم کرد. راهبرد شمالگان ۲۰۰۸ و راهبرد شمالگان ۲۰۱۳ دو سند اصلی هستند که علایق و بلندپروازی‌های روسیه را در منطقه شمالگان ترسیم می‌کنند. سند نخست به‌طور عمده بر توسعه منابع، حمل و نقل، کشتیرانی و همکاری بین‌المللی در شمالگان متمرکز است؛ در حالی‌که دومی در درجه نخست با هدف بهره‌مندی روسیه از منافع و ظرفیت‌های نهفته در شمالگان طراحی شده و بر توسعه اقتصادی و اجتماعی ناحیه شمالگان فدراسیون روسیه تأکید دارد. در مجموع، خط‌مشی‌های رسمی روسیه در قبال شمالگان بر محور منافع اقتصادی و اجتماعی در گردش است و فضای بسیار کمی به منافع امنیتی و نظامی و حتی سیاسی اختصاص یافته است؛ حتی سنجش و تحلیل منافع نظامی و راهبردی روسیه در شمالگان نیز بدون درک اهمیت منافع اقتصادی این کشور در منطقه غیرممکن است چراکه اغلب آن‌ها

در پیوند با توسعه منابع، ایجاد زیرساخت و انتفاع اقتصادی قرار دارند (قنبری، ۱۳۹۸: ۹). مهم‌ترین نکته این است که اسناد مربوطه، قطب شمال را به‌عنوان پایگاه منابع انرژی فدراسیون روسیه تعریف می‌کند. از جمله دستاوردهای سیاست قطب شمال روسیه از سال ۲۰۰۸ ایجاد شرایط برای اجرای پروژه‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های جدید در قلمرو شمالگان است: تولید نیکل در نوریلسک^۱، راه‌اندازی کارخانه آل ان جی یامال^۲ برای تولید گاز طبیعی مایع و میعانات گازی و افتتاح بندر سابتا (Boulègue, 2019).

راهبرد شمالگان ۲۰۰۸ در سال ۲۰۲۰ منقضی شد و در مارس آن سال، ولادیمیر پوتین، فرمان اجرایی اصول اساسی سیاست دولتی فدراسیون روسیه در قطب شمال را تا سال ۲۰۳۵ امضا کرد. سند سیاست جدید روسیه نتایج اجرای اصول اساسی ۲۰۰۸ را خلاصه کرد و اهداف فعلی سیاست قطب شمال این کشور و مکانیسم‌های اجرای آن‌ها برای ۱۵ سال آینده با در نظر گرفتن شرایط خارجی تغییر یافته و برخی عوامل داخلی و موفقیت‌ها و ناکامی‌های دولت در منطقه ترسیم شد. سند ۲۰۲۰ در زمانی منتشر شد که تنش‌ها بین روسیه و همسایگان قطب شمال، آن هم درست پیش از ریاست روسیه بر شورای قطب شمال^۳ در سال ۲۰۲۱ افزایش یافته و بنابراین تغییرات موجود در چشم‌انداز ژئوپلیتیکی سیاست جهانی تأثیر ویژه‌ای بر وضعیت قطب شمال گذاشته بود (Lagutina, 2021: 4). تا آنجا که به منافع ملی فعلی روسیه در قطب شمال مربوط می‌شود، اصول اساسی ۲۰۲۰ به شرح زیر تعریف می‌شود: تضمین حاکمیت و تمامیت ارضی روسیه؛ حفظ قطب شمال به‌عنوان سرزمین صلح و مشارکت با ثبات و سودمند متقابل؛ تضمین استانداردهای بالای زندگی و رفاه برای جمعیت قطب شمال روسیه؛ توسعه قطب شمال روسیه به‌عنوان پایگاه منابع استراتژیک، استفاده منطقی از آن برای سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی ملی؛ توسعه مسیر دریای شمال به‌عنوان یک کریدور حمل و نقل ملی رقابتی جهانی و حفاظت از محیط‌زیست قطب شمال (Grinyaev et al, 2023).

۲. قطب شمال در سیاست داخلی روسیه.

در اصول اساسی ۲۰۲۰ مشخص شده است که در آینده نزدیک سیاست روسیه در قبال شمالگان به دلیل مشکلات سیاست خارجی ناشی از تحریم‌های اعمال شده علیه روسیه،

^۱. Norilsk

^۲. Yamal LNG

^۳. ریاست روسیه بر شورای قطب شمال به علت عملیات نظامی روسیه در اوکراین لغو شده است و هم‌اکنون نروژ ریاست شورا را بر عهده دارد.

عمدتاً بر دستور کار سیاست داخلی متمرکز خواهد بود. در همین راستا بسیاری از پروژه‌ها با مشارکت شرکت‌های خارجی در شمالگان مسکوت ماند (به‌عنوان مثال، به دلیل تحریم‌های ایالات متحده، اکسون موبیل^۱ مجبور شد کار بر روی پروژه‌های تحت توافقنامه همکاری استراتژیک با روس نفت^۲، از جمله حفاری در دریای کارا^۳ را متوقف کند). بدون شک، توسعه اجتماعی و اقتصادی همچنان یکی از اولویت‌های اصلی سیاست قطب شمال روسیه است. با این حال، اقتصاد قطب شمال روسیه دارای ویژگی‌های خاص و توسعه‌ای است که به‌عوامل متعددی بستگی دارد؛ مانند آب و هوای سخت، حمل و نقل ضعیف، زیرساخت‌های توسعه‌نیافته، تحرک کم نیروی کار و غیره. همچنین از یک سو، شمالگان یک منطقه کم جمعیت با قطب‌های صنعتی است که به صورت ناموزون تقسیم شده‌اند و دارای اقتصادی کالایی است. از سوی دیگر، بخش صنعتی منطقه در کشورهای هم‌مرز بهتر است و مقیاس فعالیت اقتصادی این کشورها بسیار بزرگ‌تر از روسیه است: اقتصاد شمالگان حدود ۷۰ درصد از تولید ناخالص داخلی کل منطقه قطب شمال را تولید می‌کند و بیش از ۲۰ درصد صادرات (گاز، نفت، فلزات غیر آهنی) را در دست دارد (Dmitrieva and Buriy, 2019: 41-59).

این ناهماهنگی در توسعه اقتصادی قطب شمال روسیه در اسناد استراتژیک قطب شمال روسیه منعکس شده است. در اکتبر ۲۰۲۰ ولادیمیر پوتین فرمانی که در آن استراتژی توسعه منطقه قطب شمال فدراسیون روسیه و تضمین امنیت ملی برای دوره تا سال ۲۰۳۵ (استراتژی - ۲۰۲۰) را امضا کرد، این فرمان به منظور اجرای اصول اساسی ۲۰۲۰ ارائه شده بود. استراتژی ۲۰۲۰ جهت‌ها، وظایف و اقدامات اصلی برای توسعه شمالگان و همچنین مکانیسم‌ها، مراحل و نتایج مورد انتظار اجرای آن‌ها را مشخص می‌کرد. یک مورد مهم در دو سند - اصول اساسی ۲۰۲۰ و استراتژی ۲۰۲۰ - اولویت بهبود کیفیت زندگی افراد ساکن در شمالگان است (Putin, 2020: 645). بنابراین، در اصول اساسی ۲۰۲۰ دو هدف از پنج هدف مستقیماً به جمعیت بومی قطب شمال مربوط می‌شود. یکی از اهداف مربوط به بهبود کیفیت زندگی و دوم حفاظت از زیستگاه اصلی و شیوه زندگی سنتی آن‌هاست. در مورد استراتژی ۲۰۲۰ نیز می‌توان چنین چیزی را یافت که مشکلات اصلی توسعه قطب شمال روسیه و امنیت ملی آن عبارتند از؛ تغییر اقلیم، کاهش جمعیت، عقب افتادن شاخص‌های کیفیت زندگی در شمالگان، نبود زیرساخت‌های با کیفیت بالا و غیره.

^۱. ExxonMobil

^۲. NK ROSNEFT, PAO

^۳. Kara Sea

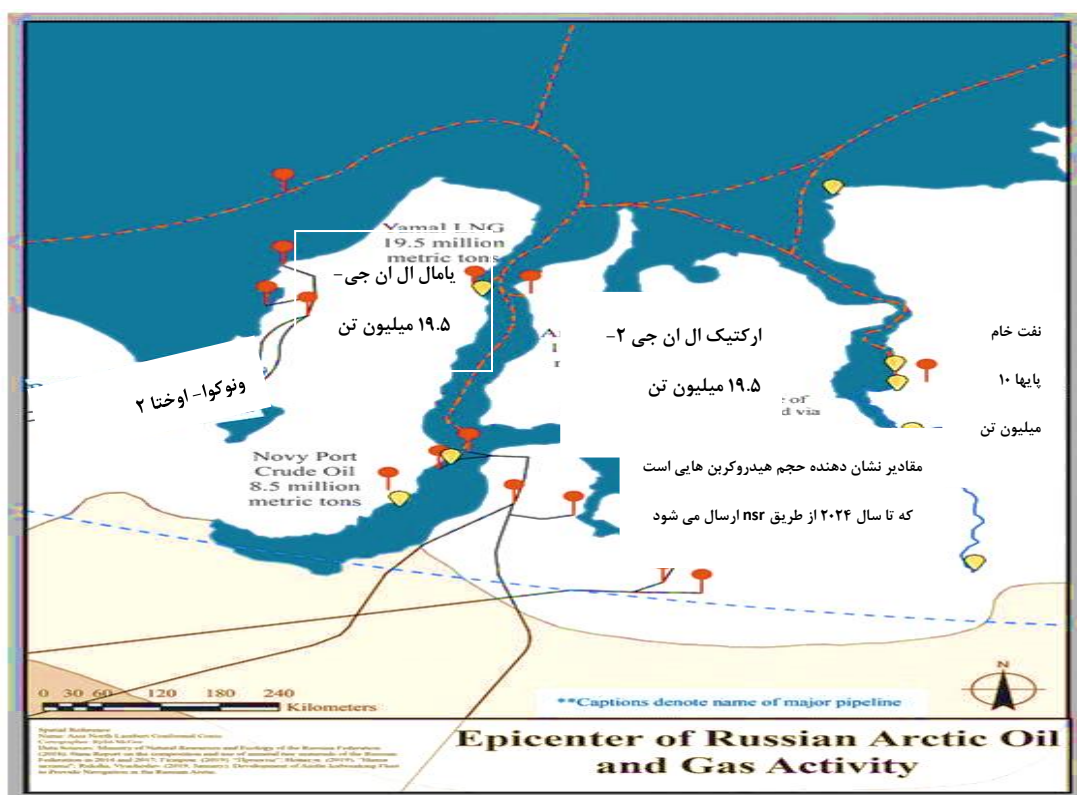
اصول اساسی ۲۰۲۰ و ۲۰۰۸، قطب شمال را به‌عنوان منبع اصلی رشد اقتصادی ملی می‌نامد و وجود یک بخش انرژی در دستور کار سیاست روسیه در قطب شمال را قابل درک کرده است. منابع طبیعی هنوز یکی از اصلی‌ترین مزیت‌های رقابتی شمالگان و تضمین اساسی اکتشاف و توسعه مستمر آن است. اما چالش‌ها و محدودیت‌های روسیه در منطقه قطب شمال نیازمند سیاست کارآمد دولت برای حمایت از پروژه‌های پیچیده نفت و گاز است. پیچیدگی پروژه‌های الکترونیکی به دلیل شرایط سخت آب و هوایی منطقه قطب شمال، نیاز به رعایت الزامات زیست‌محیطی سخت‌گیرانه و استفاده از فناوری و تجهیزات گران قیمت دارد. این امر منجر به سرمایه‌گذاری بالا برای پروژه‌ها و کاهش علاقه سرمایه‌گذاران می‌شود. توسعه‌نیافتگی یا در برخی نقاط زیرساخت‌های حمل و نقل و لجستیک کاملاً غایب نیز منجر به هزینه‌های بالاتر شده است. دهه آینده زمان تصمیم‌گیری‌های کلیدی برای منطقه قطب شمال روسیه، اجرای پروژه‌های زیرساختی و معدنی در مقیاس بزرگ، جذب سرمایه‌گذاری و رشد نقش مسیر دریای شمال است. از این رو تجمیع تلاش‌های مقامات دولتی و شرکت‌های بزرگ نفت و گاز در راستای تدوین برنامه‌های ملی و اسناد راهبردی برای توسعه کارآمد منابع و توان اقتصادی منطقه است. امروز روسیه مساعدترین شرایط را برای انجام تجارت، اجرای پروژه‌های سرمایه‌گذاری و همچنین سیستم مالیاتی برای تولید نفت و گاز در منطقه قطب شمال ایجاد کرده است. علاوه بر این، دولت روسیه مشوق رویکردهای جدیدی برای تامین مالی پروژه‌های قطب شمال است. یکی از این رویکردها، معرفی مکانیسم مشارکت عمومی و خصوصی است. این طرح قبلاً کارایی و اثربخشی خود را به ویژه در زمینه ایجاد تأسیسات زیرساختی در منطقه قطب شمال ثابت کرده است (Raimondi, 2024: 54).

با این حال رویدادهای سال ۲۰۱۴ و سقوط قیمت جهانی نفت تعدیل‌های خاص خود را ایجاد کرد و دوره‌ای از واقع‌گرایی قطب شمال در روسیه آغاز شد و شرکت‌های نفتی شروع به کاهش برنامه‌های خود برای تولید نفت در فلات قطب شمال کردند. منطقه قطب شمال روسیه ۸۳ درصد گاز و ۱۲ درصد نفت (شکل ۲) را تولید می‌کند، اما پتانسیل مواد خام آن به‌طور کامل مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. منطقه خودمختار ننتس مرکز مهم تولید نفت است و یامال به مرکزی برای تولید گاز تبدیل شده است. در مورد فلات قطب، امروزه تنها یک میدان نفتی از سال ۲۰۱۳ در شمالگان در حال تولید بوده است. که به نام میدان Prirazlomnoye در دریای پچورا^۱ است که در حال حاضر تنها پروژه فعال تولید هیدروکربن‌های دریایی قطب شمال روسیه است (Gazprom, 2018). البته روسیه از نظر

^۱. Pechorskoye

فناوری نیز برای تولید نفت فلات قطب شمال از منظر زیست‌محیطی آماده نیست از این رو به گفته کارشناسان، تا سال ۲۰۳۵، تولید نفت در مقیاس بزرگ در فلات قطب شمال روسیه آغاز نخواهد شد. در عین حال، روند سال‌های اخیر گسترش بازار گاز طبیعی مایع است. چهار مورد (شکل ۳) از هشت نیروگاه گاز مایع که در روسیه برنامه‌ریزی شده است مستقیماً در قطب شمال قرار خواهند گرفت (ال ان جی ابسکی^۱، ال ان جی قطب شمال^۲، ال ان جی قطب شمال^۳، ال ان جی قطب شمال^۴) (Russia magazine, 2020).

شکل ۲: مرکز فعالیت‌های انرژی روسیه در قطب شمال



Source: Thearcticinstitute, 2020

1. Obskiy LNG
2. Arctic LNG
3. Arctic LNG 2
4. Arctic LNG 3

یکی دیگر از اولویت‌های مهم سیاست داخلی روسیه در قطب شمال، حفاظت از محیط‌زیست قطب شمال است که مهم‌ترین جنبه از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی روسیه در منطقه است. در بیشتر موارد، آلودگی در قلمرو قطب شمال روسیه میراث دوره شوروی است. با این حال یکی از دلایل آلودگی زیست محیطی در قطب شمال هات اسپات‌ها هستند. در این بحث قطب شمال روسیه بیشترین تعداد هات اسپات^۱ را دارد. در سال ۲۰۱۷، وزارت منابع طبیعی و محیط‌زیست بر اساس اطلاعات نقشه‌های منطقه‌ای در خصوص حذف آسیب‌های زیست‌محیطی انباشته و داده‌های مؤسسه ملی تحقیقات حفاظت از محیط‌زیست، طرحی را برای پاک‌سازی زباله‌ها در قطب شمال تنظیم کرد. با این حال، در طول ۱۶ سال گذشته فعالیت‌های مثبتی با هدف از بین بردن آسیب‌های زیست‌محیطی انباشته در قطب شمال و کاهش تعداد نقاط هات اسپات در نقشه قطب شمال روسیه وجود داشته است. از سال ۲۰۱۰، شمالگان به‌طور منظم پاک‌سازی می‌شد و در نتیجه در سال ۲۰۱۲ قلمرو سرزمین الکساندرا^۲ که بخشی از مجمع‌الجزایر سرزمین فرانکس یوزف^۳ است، به‌طور کامل پاک‌سازی شد.

اقدامات عمده دولت روسیه در حوزه امنیت زیست‌محیطی قطب شمال، ایجاد مناطق ویژه برای الزامات زیست‌محیطی، از جمله نظارت بر آلودگی و احیای مناطق محیط طبیعی و دفع زباله‌های سمی صنعتی است. در حال حاضر، ۱۶۴ منطقه حفاظت شده در قطب شمال وجود دارد که ۲۶ مورد آن در سطح فدرال است. از جمله: دوازده ذخیره‌گاه دولتی، پنج پارک ملی، هشت ذخیره‌گاه طبیعی دولتی و یک باغ گیاه‌شناسی (Maximova, 2020: 30-37). این امور باعث می‌شود تا امروزه شاهد یک سیاست زیست‌محیطی بسیار فعال در قطب شمال از سوی روسیه باشیم. در حال حاضر، شمالگان منطقه‌ای است که به شدت در معرض ضربه‌های ناشی از انسان قرار گرفت که دلایل عینی خود را دارد و روسیه به علت اینکه بیش از نیمی از کل جمعیت منطقه در قطب شمال روسیه زندگی می‌کنند و سرزمینی است که در طول قرن ۲۱ در حال توسعه‌یافتگی است، بشدت نسبت به تحولات این منطقه حساس می‌باشد. در این راستا تحول خاصی در نگرش و رویکرد دولت به این موضوع مشاهده می‌شود زیرا کرملین معتقد است که قطب شمال را می‌توان به منطقه توسعه‌یافتار تبدیل کرد.

۱. HOT POST هات اسپات اساساً یک مکان فیزیکی است که در آن می‌توانید از طریق شبکه محلی بی‌سیم به

اینترنت دسترسی داشته باشید

۲. Alexander Island

۳. Franz Josef Land

شکل ۳: موقعیت ال ان جی روسیه در قطب شمال



Source: The Moscow times, 2019

۳. قطب شمال در سیاست خارجی روسیه

پس از سقوط اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، با تلاش‌های جمعی و همکاری‌های چندجانبه، منطقه به فضایی عاری از تنش‌های مهم ژئوپلیتیکی تبدیل شد و حتی در تحولات منازعه برانگیز ژئوپلیتیک جهانی، از رویارویی‌های عمده در این منطقه علی‌رغم نظامی‌سازی مجدد در قطب شمال، اجتناب شده است. شعار شمال بالا، تنش کم که همکاری نرم (به‌استثنای امنیت نظامی) را ترویج می‌کرد، منعکس‌کننده پویایی‌های ژئوپلیتیکی در قطب شمال بود. حتی محققان معتقد بودند که تعامل دولت‌ها در منطقه قطب شمال و اطراف آن تا حد زیادی تحت تأثیر افزایش تنش قدرت‌های بزرگ در نقاط دیگر نمی‌باشند. به‌عنوان مثال، پس از الحاق کریمه و حمله به شرق اوکراین در سال ۲۰۱۴، بایرز دریافت که روابط روسیه و غرب در منطقه می‌تواند تا حد زیادی دست نخورده باقی بماند. او پیشنهاد کرد که؛ وابستگی متقابل پیچیده می‌تواند به حفظ همکاری در برخی حوزه‌های موضوعی کمک کند و در نتیجه تأثیر یک بحران را کاهش دهد (Byers, 2017:)

395). اما بعد از انضمام کریمه، برنامه نظامی در شمالگان به‌عنوان یک تهدید بالقوه جهانی با هدف بی‌اعتبار کردن فعالیت‌های مسکو در قطب شمال القا شده است. به طوری که رسانه‌ها، اتاق‌های فکر و اظهارات رسمی رهبران برخی از کشورهای قطب شمال نسبت به فعالیت روسیه در این منطقه بسیار انتقادی و حتی تهاجمی به نظر می‌رسد. به‌عنوان مثال، کارشناسان چتم هاوس^۱ در گزارش خود با عنوان «وضعیت نظامی روسیه در قطب شمال» معتقد بود که نظامی‌سازی قطب شمال روسیه، که در حال حاضر ماهیت دفاعی دارد، پس از سال ۲۰۱۴ در رابطه با ناتو و شرکای آن، یک خط تهاجمی‌تر پیدا کرده است (Boulègue, 2019). در واقع دوران طلایی تنش‌زدایی به مرور به پایان می‌رسد و قطب شمال به محلی برای افزایش درگیری‌های امنیتی نظامی تبدیل می‌شود. مایک پمپئو، وزیر خارجه سابق آمریکا در یکی از سخنرانی‌های خود، سیاست کنونی روسیه در قطب شمال را رفتار تهاجمی توصیف کرد و نگرانی‌های آمریکا را در مورد تقویت بیشتر همکاری‌های روسیه و چین در قطب شمال ابراز کرد (Reuters, 2019). همچنین زمانی که تخلف برگشت‌ناپذیر روسیه از نظم بین‌المللی مبتنی بر قوانین لیبرال در فوریه ۲۰۲۲ آشکار شد، استثنای قطب شمال نیز فروپاشید و با بازگشت جنگ تمام عیار به خاک اروپا و همچنین پیامدهای تغییرات آب و هوایی (به ویژه، باز کردن معابر تجاری و افزایش دسترسی به بهره‌برداری از منابع طبیعی)، منازعه ژئوپلیتیکی به شمال بازگشت و منجر به تعدادی از تحولات ژئوپلیتیکی شد که به نوبه خود، پیامدهای قوی برای قطب شمال داشته است. این تحولات شامل: حضور فعال آمریکا و گسترش ناتو در منطقه و همکاری رو به رشد روسیه و چین بوده است.

ایالات متحده: موقعیت امنیتی و توانایی ایالات متحده، آن را به بازیگر اصلی در چارچوب ناتو - قطب شمال اروپا تبدیل کرده است. نمونه‌هایی از افزایش تمایل ایالات متحده برای مشارکت در مسائل امنیتی در قطب شمال شامل فعال‌سازی مجدد ناوگان دوم ایالات متحده از نورفولک در سال ۲۰۱۸، با مسئولیت اقیانوس اطلس شمالی وجود دارد. فعالیت ناوگان ششم ایالات متحده در دریای بارنتز و افزایش مشارکت آن در مانورهای ناتو در نروژ از سال ۲۰۱۴، تمرینات دوسالانه پاسخ سرد و تقاطع تردنت ۲۰۱۸^۲ اطمینان دادن به متحدان شمال اروپا در ناتو و نظارت دقیق بر قابلیت‌های استراتژیک روسیه است. به‌ویژه، حضور ایالات متحده در مورد کنترل تحرکات دارایی‌های استراتژیک روسیه به خارج از شبه‌جزیره کولا در بخش

^۱. Chatham House

^۲. Trident Juncture 2018, cold Response

شمالی است، زیرا این تحرکات نه تنها تهدیدی برای نروژ یا سایر کشورهای شمال اروپا، بلکه برای کل ساحل اقیانوس اطلس شمالی است (O'Rourke et al, 2024: 74).

الحاق فنلاند و سوئد به ناتو به این معنی نیست که علاقه اروپا و آمریکا به نگرانی‌های امنیتی در شمال کاهش یابد. این امر ذاتاً برای نروژ، فنلاند و سوئد تا زمانی که تلاش برای کنترل تنش‌ها و جلوگیری از تشدید بیشتر در منطقه وجود داشته باشد، مفید است. با این حال، ایالات متحده همچنین نقشی مرکزی فراتر از قطب شمال اروپا ایفا می‌کند. در اینجا بسیار مهم است که بین پویایی امنیتی روسیه که بر شمال مرتفع اروپایی اقیانوس اطلس شمالی تسلط دارد و پویایی همکاری روسیه و چین که به‌طور فزاینده‌ای دستور کار شمال اقیانوس آرام در مجاورت قطب شمال را مشخص می‌کند، تمایز قائل شویم. برای ایالات متحده، مرز مشترک در امتداد تنگه برینگ به معنای نزدیکی به نیروهای استراتژیک روسیه در خاور دور روسیه است. همچنین روابط پرتنش با روسیه نیاز واشنگتن به توانایی‌های کنترل و واکنش در رابطه با فعالیت هواپرد روسیه بر روی تنگه برینگ و دریای برینگ را تشدید می‌کند.

روسیه به‌طور فزاینده‌ای کل خط ساحلی قطب شمال از کرکنس تا آلتوتی‌ها در اقیانوس آرام را به‌عنوان یک حوزه استراتژیک پیوسته می‌بیند. با ذوب شدن یخ در شمال تنگه برینگ و چشم‌انداز تردد غیرنظامیان و نظامیان در این منطقه، روسیه تمرینات نظامی خود را در مناطق دریایی آلاسکا افزایش داده است. این موضوع باعث ایجاد مشکلاتی برای ماهیگیران آمریکایی شده و توجه سیاستمداران فدرال ایالات متحده را به خود جلب کرده است. عملیات مشترک در نزدیکی آلاسکا در سپتامبر ۲۰۲۲ با مشارکت نیروهای دریایی چین و روسیه نمونه دیگری از تغییر محیط امنیتی در دریای برینگ و اقیانوس آرام شمالی است که از منظر آمریکا نیازمند توجه است (Ebel, 2022).

گسترش ناتو. حمله روسیه به اوکراین به تقویت گسترش ناتو منجر شد. حمله روسیه باعث شد تا دو کشور عضو اتحادیه اروپا - فنلاند و سوئد - که کشورهای قطبی هستند، در عدم تعهد و بی‌طرفی خود تجدید نظر کنند. در نتیجه دو کشور، هر یک با سابقه طولانی بی‌طرفی، درخواست‌های خود را برای عضویت در ناتو در ماه مه ۲۰۲۲ ارائه کردند. پس از تصویب همه اعضای آن، فنلاند تقریباً یک سال بعد - در ۴ آوریل ۲۰۲۳ - به ناتو پیوست. سوئد هم در ۷ مارس ۲۰۲۴ به ناتو پیوست. این گسترش ناتو برای منطقه قطب شمال اهمیت زیادی دارد. به ویژه، الحاق فنلاند که دارای ۱۳۴۰ کیلومتر مرز با روسیه است، بیش

از دو برابر مرز از قبل موجود بین ناتو و روسیه را افزایش داد و دریای بالتیک را به یک دریاچه ناتو تبدیل کرد.

علاوه بر این، زمانی که سوئد پیوستن خود به ناتو را نهایی کرد، هر هفت کشور قطب شمال (به جز روسیه) اعضای ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده شده‌اند. فنلاند و سوئد هر دو از کمک‌کنندگان امنیتی مهم به ناتو خواهند بود و مهارت‌هایی مانند تخصص فنلاند در عملیات‌های متناسب با شرایط قطب شمال، جناح قدرتمند دفاعی در شمال شرق، دارا بودن یکی از بزرگترین قابلیت‌های توپخانه در اروپا با زرادخانه تقریباً ۱۵۰۰ سلاح و همچنین قابلیت‌ها و هوشمندی آن در فناوری‌های مخابراتی از منظر امنیتی باعث دست برتری ناتو شده است (Cherepovitsyn et al, 2023: 13). همچنین گسترش ناتو علاوه بر اتحاد کل شمال اروپا، موقعیت ناتو را در قطب شمال تقویت و به‌طور قابل‌توجهی بر احساس آسیب‌پذیری روسیه و افزایش هوشیاری آن تأثیر می‌گذارد که همه این‌ها پویایی امنیت منطقه را تغییر می‌دهند. ناتو و روسیه هر دو به تنش‌ها در قطب شمال و اهمیت استراتژیک فزاینده این منطقه به دلیل منابع طبیعی، پتانسیل دریایی و موقعیت استراتژیک آگاه هستند. بنابراین، ناتو و روسیه احتمالاً نه تنها از طریق صدور بیانیه‌ها، اسناد سیاسی و یا استراتژی‌ها، بلکه از طریق افزایش تمرین‌های نظامی مانند سپر نیرومند (روسیه) و چالش قطبی 2023^۱ به میزبانی فنلاند (ناتو) به استراتژی خود ادامه می‌دهند.

در شرایطی که روسیه چالش‌هایی را در جنگ خود علیه اوکراین تجربه می‌کند، مسکو احتمالاً از قطب شمال به‌عنوان محلی برای اثبات تسلط خود و نشان دادن اینکه روسیه هنوز یک قدرت نظامی قوی است استفاده خواهد کرد. به همین دلیل، رهبران روسیه ممکن است تأکید بر سلاح‌های هسته‌ای را در قبال تشدید تنش و درگیری افزایش دهند. این امر اهمیت قطب شمال روسیه و به ویژه شبه جزیره کولا را که هم مرز با نروژ و فنلاند، محل ناوگان شمالی و میزبان پیشرفته‌ترین دارایی‌های زمینی، هوایی و دریایی قطب شمال روسیه از جمله بازدارندگی هسته‌ای‌اش است، افزایش دهد. در حالی که کارشناسان احتمال نمی‌دهند که روسیه مستقیماً با ناتو مقابله کند، اما کاهش کانال‌های ارتباطی بین روسیه و کشورهای غربی، تشدید فعالیت‌های ترکیبی روسیه و خطر تحریکات روسیه، خطر محاسبات نادرست را در قطب شمال افزایش می‌دهد (Leclerc, 2024: 9). همچنین هرچقدر تنش بین ناتو و روسیه بیشتر باشد، قطب شمال اروپا برای اهداف بازدارندگی و نظارت و ممانعت

^۱. Formidable Shield, Arctic Challenge 2023

از دسترسی روسیه به اقیانوس اطلس به طور کلی مصمم تر می‌شود. این روندها از زمانی که فنلاند و سوئد به عضویت ناتو درآمدند، بیشتر تقویت شده است. همچنین تمرکز امنیتی روسیه در پاسخ به مرز ۱۳۴۰ کیلومتری جدید فنلاند و ناتو نسبت به شمال تغییر کرده است. حتی برخی از مفسران پیش‌بینی می‌کنند که احساس ناامنی در شمال ممکن است روسیه را وادار کند که ظرفیت خود را برای بازدارندگی از تهدیدات زمینی و دریایی در منطقه بارنتز تقویت کند و در مقابل ناتو تمایل و توانایی خود را برای عملیات در منطقه به منظور حفاظت از منافع حیاتی خود نشان دهد. برای روسیه، احساس ناامنی به ناوگان شمالی و دسترسی به اقیانوس اطلس شمالی مربوط می‌شود و برای ناتو، نگرانی‌های کلیدی سرزمین‌های شمال اروپا در شمال و کنترل بر شکاف جی‌آی‌یو کی^۱ و اقیانوس اطلس شمالی است.

از آنجایی که نوعی عقلانیت یا منطق اقدامات کرملین را هدایت می‌کند، باید فرض کرد که روسیه علاقه‌ای به درگیری آشکار با ناتو یا هیچ یک از اعضای آن ندارد. بنابراین هدف احتمالی روسیه به جای شروع درگیری در مقیاس بزرگ یا تصاحب و کنترل قلمرو (مانند اوکراین)، تضعیف سیاست‌ها و فعالیت‌های سایر کشورهای قطب شمال یا آزمایش توانایی دولت‌ها برای شناسایی و پاسخ به چالش‌های کوچک در مقیاس کوچک خواهد بود. به‌عنوان مثال تنش بین نروژ و روسیه در دریای بارنتس، به ویژه در آب‌های اطراف سوالبارد است، جایی که سوالاتی در مورد فعالیت کشتی‌های روسی در آب‌های نروژ مطرح می‌شود. در ژانویه ۲۰۲۲، یکی از دو کابل مهم فناوری اطلاعات زیردریایی که به سوالبارد خدمت می‌کردند، در زمانی که کشتی‌های ماهیگیری روسی به طور گسترده در مجاورت فعالیت می‌کردند، قطع شد. اگرچه مقامات نروژی هیچ نتیجه‌ای در مورد عامل این خرابکاری نگرفته‌اند، این حادثه به طور گسترده با جمع‌آوری اطلاعات بر علیه روسیه و سایر عملیات‌ها در قطب شمال نروژ مرتبط بود. همچنین پس از خرابکاری خطوط لوله گاز نورد استریم در دریای بالتیک در سپتامبر ۲۰۲۲، این موضوع در بحث پیرامون امنیت و دفاع نروژ فوریت جدیدی پیدا کرد (Fredriksen et all, 2022).

^۱ منطقه‌ای در شمال اقیانوس اطلس است که یک تنگه یا گلوگاه استراتژیک دریایی را تشکیل می‌دهد. نام آن کوتاه شده گرینلند، ایسلند و بریتانیا است، این شکاف دو ناحیه از لجه اقیانوسی بین این سه خشکی است. دریای نروژ و دریای شمال را از لجه اقیانوس اطلس جدا می‌کند.

ظهور چین به عنوان یک بازیگر در قطب شمال. در آینده نظم جهانی قطب شمال برای قلمرو ژئوپلیتیکی روسیه به علت برخورداری از سواحل وسیع بسیار حائز اهمیت است. بنابراین روسیه باید هم در زمینه انرژی و هم در مسیرهای ترانزیتی تلاش کند و به موفقیت دیپلماتیک دست یابد. این جنگ طولانی نیاز به متحدانی در این منطقه دارد تا بتواند با ناتو و کشورهای اروپایی مقابله کند؛ بنابراین روابط نزدیک با چین در قطب شمال شکل گرفته است. چین با منابع مالی خود به روسیه برای تقویت در منطقه کمک می‌کند؛ زیرا مساحت روسیه چهار میلیون کیلومتر مربع در قطب شمال است که می‌تواند از طریق آن با ۱۴۰۰ بندر در سراسر جهان ارتباط برقرار کند که از این لحاظ منطقه قطب شمال از نظر اقتصادی بسیار برای چین مهم است.

انگیزه‌ها و اهداف چین برای فعالیت‌هایش در قطب شمال و توانایی چین برای همکاری با کشورهای منطقه در مورد مسائل مربوط به قطب شمال باعث شد تا در سال ۲۰۱۳، این کشور یکی از شش کشور غیرقطبی باشد که به‌عنوان ناظر توسط شورای قطب شمال تأیید شود. در ژانویه ۲۰۱۸، چین مطلبی در مورد سیاستش در قطب شمال منتشر کرد که در آن از روسیه به‌عنوان کشوری نزدیک به قطب شمال یاد شده بود (شمالی‌ترین قلمرو چین، شمال شرقی مغولستان است که تقریباً در همان عرض جغرافیایی جزایر آلتوی در آلاسکا قرار گرفته است). همچنین مسیرهای کشتیرانی‌ای در قطب شمال وجود دارد که به جاده ابریشم یخی معروف است، در حقیقت این مسیرها به‌عنوان یک کریدور حمل‌ونقل اصلی برای ابتکار کمربند و جاده که برای اولین بار توسط چین در سال ۲۰۱۳ اعلام شد، عمل می‌کنند. بر اساس اصل موجود در این طرح مناطق قطبی (هر دو قطب شمال و قطب جنوب) در چهاردهمین برنامه پنج ساله چین گنجانده شده‌اند که دوره ۲۰۲۱-۲۰۲۵ را پوشش می‌دهد. بر این اساس چین در راستای اهداف خود دارای یخ‌شکن‌های مختلفی برای دسترسی به قطب شمال است. اولین یخ‌شکن قطبی در دست چین، ساخت اوکراین به نام اژدهای برفی^۱ است که چندین بار از آب‌های قطب شمال عبور کرده و به گفته پکن سفرهای تحقیقاتی انجام داده است. دومین یخ‌شکن با قابلیت قطبی (اولین کشتی ساخت چین)، به نام اژدهای برفی^۲ که در سال ۲۰۱۹ به خدمت گرفته شد. سومین یخ‌شکن با قابلیت قطبی، جی دی^۲ یک کشتی با طول ۲۹۲ فوت گزارش شده است که قابلیت جابه‌جایی ۵۶۰۰ تن را دارد و در دسامبر ۲۰۲۳ تکمیل شد (Bommakanti, 2024: 12).

^۱. Xue Long

^۲. Power of Siberia 2

در شرایطی که برخی از ناظران نگرانی‌هایی را در مورد انگیزه‌ها و اهداف واقعی چین در قطب شمال مطرح کرده‌اند؛ اما انزوای روسیه فرصت‌های جدیدی را برای چین فراهم کرده تا از طریق قدرت نرم - سرمایه‌گذاری، همکاری در زمینه انرژی قطب شمال، تحقیق و حمل‌ونقل و حضور نزدیک‌تر - در قطب شمال نفوذ کند. در واقع، تنها چند هفته قبل از تهاجم روسیه به اوکراین، در چهارم فوریه ۲۰۲۲، دو کشور بیانیه مشترکی منتشر کردند که در آن متعهد به تشدید همکاری عملی برای توسعه پایدار قطب شمال شدند. در بهار ۲۰۲۳، چین و روسیه توافق کردند که یک سازمان مشترک برای تردد در امتداد مسیر دریای شمالی ایجاد کنند و یادداشتی را امضا کردند که همکاری گسترده‌ای را در اجرای قانون در دریای بارتز و آب‌های قطب شمال به امضا رساندند (Hosa, 2023: 13). تحریم‌های جامع کشورهای غربی علیه روسیه منجر به خروج چندین شرکت نفتی بزرگ مانند بریتیش پترولیوم، شل و اکسون از قطب شمال شد. ناظران خاطرنشان می‌کنند که خروج سهامداران غربی فضا را برای سرمایه‌گذاری به ویژه چینی ایجاد کرده است. چین یکی از سهامداران فعال در قطب شمال است به طوری که قراردادی ۳۰ ساله با روسیه برای واردات گاز از طریق خط لوله آتی قدرت سبریا-۲^۱ دارد و شرکت‌های چینی سهام عمده‌ای در چندین پروژه صنعتی روسیه مانند یامال ان جی و ال ان جی قطب شمال دارد. علاوه بر این، روسیه قرار است برای ادامه پروژه‌های خود در قطب شمال به طور فزاینده‌ای بر فناوری و تجهیزات چینی به دلیل تحریم‌های غرب تکیه کند، زیرا دیگر نمی‌تواند محصولات مورد نیاز را از تامین‌کنندگان قبلی وارد کند. در این زمینه، تجارت دوجانبه بین کشورها در سال ۲۰۲۳ به میزان یک سوم افزایش یافت و پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۲۴ رشد بهتری داشته باشد (Gabija, 2024: 9).

به نظر می‌رسد چین علاقه‌مند به استفاده از راه دریای قطب شمال برای کوتاه کردن زمان حمل‌ونقل تجاری بین اروپا و چین باشد. زیرا در زمان بحران یا درگیری در برابر بسته شدن مسیر دریایی توسط طرف‌های مقابل (مانند ایالات متحده) آسیب‌پذیر است. در این راستا در ۴ ژوئیه ۲۰۱۷ با روسیه برای ایجاد جاده ابریشم یخی به توافق رسیدند. چین سرمایه‌گذاری‌های قابل توجهی در صنعت نفت و گاز قطب شمال روسیه، به‌ویژه پروژه بزرگ گاز طبیعی یامال واقع در شبه‌جزیره یامال روسیه در قطب شمال انجام داده است. در فوریه ۲۰۲۳، گزارش شد که یک شرکت روسی قراردادی را با یک شرکت چینی برای توسعه یک پروژه معدن تیتانیوم در قطب شمال روسیه امضا کرده و بر طبق گزارش‌ها، دولت چین

همچنین به فرصت‌های معدنی در قطب شمال کانادا و در گرینلند علاقه‌مند است (Eiterjord, 2023: 32). با این حال، جاه‌طلبی چین برای تبدیل شدن به یک قدرت قطبی بزرگ احتمالاً تنش‌ها را با هفت کشور قطب شمال و سایر کشورهای غربی افزایش می‌دهد. روسیه، درحالی‌که رسماً از علاقه چین به قطب شمال استقبال می‌کند، برخی تفاوت‌های آشکار در موضع دولت‌ها برای آینده در استفاده از راه دریایی شمال^۱ وجود دارد. برای فدراسیون روسیه، راه دریایی شمال یک راه حمل‌ونقل ملی است و استفاده از آن توسط کشتی‌های خارجی به آن امکان کسب درآمد در حمل‌ونقل تجاری را می‌دهد. چین موضع کمی متفاوت دارد: چین راه دریایی شمال را بخش مهمی از توسعه ابتکار جاده ابریشم یخی^۲ خود با توجه فراوان بر تأثیر اقتصادی استفاده از آن می‌داند. همان‌گونه که می‌خواه^۳ بیان می‌کند: در آینده ممکن است در روند تشکیل یک سیستم چندجانبه همکاری در منطقه قطب شمال، موقعیت‌های متضاد در روابط دوجانبه میان چین و روسیه ایجاد شود (Mikheeva, 2020: 105)؛ بنابراین، روسیه به دنبال تنوع بخشیدن به روابط شراکت خود در آسیا است و در این رابطه این کشور در حال توسعه همکاری با هند است. روسیه قصد دارد نوعی تعادل برای مشارکت فعال چین در قطب شمال ایجاد کند. در مورد کره جنوبی، ژاپن و سنگاپور، روابط دوجانبه آن‌ها با روسیه هنوز در مراحل اولیه است. امیدهای اصلی روسیه به این کشورها به فناوری‌های پیشرفته آن‌ها مربوط می‌شود که برای مدیریت قطب شمال ضروری است. با این حال، ترجیحات ژئوپلیتیکی این کشورها نگرانی‌هایی را در میان کارشناسان روسی ایجاد می‌کند.

نتیجه‌گیری

بر اساس داده‌های موجود در پژوهش، قطب شمال شاید برای بسیاری از کشورها جنبه مزیتی صرف داشته باشد؛ اما برای روسیه به دلیل آنکه بخش اعظمی از سرزمین این کشور را قطب شمال در بر می‌گیرد جنبه ملی دارد. این امر موجب شده است تا روسیه بخشی از سیاست‌های داخلی و خارجی خود را در منطقه که شامل موارد متعدد از جمله محیط‌زیستی، توسعه پایدار، رفاه برای ساکنان قطب، دسترسی به منابع انرژی و نحوه کشف و استخراج آنان و از سوی دیگر رقابت با سایر قدرت‌ها همچون آمریکا، متحدین اروپایی آن

^۱. NSR

^۲. Ice Silk Road

^۳. N. Mikheeva

بسیار با دقت برنامه‌ریزی و طراحی کند. بر اساس داده‌های استخراج شده این امر پس از بحران اوکراین به صورت مشهود تشدید شده است. در واقع آغاز جنگ در اوکراین همانند جعبه پاندورا برای روسیه سرآغاز مشکلات و بحران‌هایی شد که کمترین آن هم مرز شدن با ناتو در قطب شمال بوده است. در واقع جنگ اوکراین باعث شد تا جز روسیه همه همسایگان قطب شمال در مدار آمریکا قرار بگیرند. از سوی دیگر تحریم‌های پیرامون مسئله اوکراین موجب شد تا روسیه به کشورهای دیگری همچون چین، هند و ژاپن در قطب شمال در زمینه تکنولوژی و مالی متکی شود؛ بنابراین این موارد موجب می‌شود تا فرض موجود ما در پژوهش در رابطه با دو دسته شدن سیاست‌های روسیه در بعد داخلی و خارجی درست باشد. بر اساس منطوق واقع‌گرایی نئوکلاسیک، روسیه و رفتار عقلانی آن متأثر از دو فاکتور داخلی و خارجی است. در واقع همان‌گونه که بیان شد در سطوح داخلی سیاست‌هایی همچون بهره‌گیری از منافع اقتصادی و محیط‌زیستی و در سطح سیاست خارجی راهبرد تنش و واکنش شدید در مواجهه با تهدیدات ناشی از هژمون (گسترش ناتو) و متحدان آن و راهبرد ائتلافی با بازیگران فرمانطقه‌ای (چین) را مسکو دنبال می‌کند. البته ممکن واقعیت‌های دیگری نیز بر روی رفتار روسیه در قطب شمال تأثیر بگذارد؛ اما ما در این پژوهش بر موارد گفته شده تمرکز کردیم و آنان را در بوته آزمون قرار دادیم. در نتیجه پیشنهاد می‌شود پژوهشگران علاقه‌مند به روسیه‌شناسی، ابعاد دیگر نگاه و توجه روسیه را به قطب شمال بررسی و آنان را از دریچه نظری دیگر مورد تحلیل و تبیین قرار دهند.

منابع و مأخذ

فارسی

- بیگدلی، محمدرضا، فیروزآبادی، سید جلال دهقانی و برزگر، کیهان (۱۴۰۲)، مقایسه رویکرد سه نسل پارادایم واقع‌گرایی نسبت به نظام بین‌الملل. **فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل**، دوره سیزدهم، شماره چهل و هشت.
- سیفی، عبدالمجید (۱۳۹۹)، واقع‌گرایی نوکلاسیک چارچوبی برای تحلیل سیاست خارجی عربستان در قبال بیداری اسلامی. **فصلنامه سیاسی**، دوره ۵۰، شماره ۲، تابستان.
- قنبری، سمیه (۱۳۹۸) ریال روسیه و محیط امنیتی شمالگان؛ نوسازی نظامی یا نظامی‌گری. **فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز**، شماره ۱۰۶، تابستان.

نیاکویی، سید امیر و صفری، عسگر (۱۳۹۶)، راهبردهای هسته‌ای متفاوت ایران؛ تبیینی از دریچه واقع‌گرایی نئوکلاسیک. فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره دوم، تابستان.

لاتین

- Baev, P.K. (2018), "Russia's Ambivalent Status-Quo: Revisionist Policies in the Arctic." **Arctic Review on Law and Politics** 9, no. 0: 408–24. doi:10.23865/arctic.v9.1336.
- Bommakanti, Kartik (2024), China's 'Three Warfares' Strategy in Action: Implications for the Sino-India Boundary, the Arctic, and Antarctica. **Observer Research Foundation (ORF), February**.
- Boulègue, M(2019). Russian Military Posture in the Arctic. Managing Hard Power in a 'Low Tension' Environment. Research Paper. Russia and Eurasia Programme. **Chatham House**, https://www.chathamhouse.org/sites/default/files/2019-06-28-Russia-Military-Arctic_0.pdf
- Byers, M. (2017). Crisis and international cooperation: An Arctic case study. **International Relations**, 31(4), 1–28. <https://doi.org/10.1177/0047117817735680>.
- Cargo -Partner(2015), A shortcut through the Arctic?. <https://www.cargopartner.com/trendletter/issue-13/northernsea-route-shortcut>.
- Cherepovitsyn, Alexey, Evgeniya Rutenko and Sergey Yudin(2023), Global challenges and opportunities for Arctic oil and gas projects. **E3S Web of Conferences** 378, 06007 (2023) <https://doi.org/10.1051/e3sconf/202337806007> IIRPCMIA 2021.
- Dmitrieva, T.E., and O.V. Buriy(2019). ECO 49, no. 1:41–59. **Pillar zones for the development of the Russian Arctic: content, ratings and projects**.
- Eiterjord, Trym (2023), "What the 14th Five-Year Plan says about China's Arctic Interests," **Arctic Institute**, November 23.
- Francesca Ebel(30 December 2022), 'Putin and Xi Highlight Russia-China Cooperation against Backdrop of War', **The Washington Post**, <https://www.washingtonpost.com/world/2022/12/30/putin-xi-call-cooperation-ukraine/>.
- Gazprom(2018). "Prirazlomnoe Field." **Gazprom**, <http://www.gazprom.com/about/production/projects/deposits/pnm/>.
- Grinyaev, Sergey, Dmitriy A. Medvedev, and Javed Zafar(2023), Evolution of Russian Strategic Planning in the Arctic and Enhancing of Integrated Security of the Fuel and Energy Complexes. **International Studies**. <https://journals.sagepub.com/doi/10.1177/00208817231210236>.
- Güçyetmez, F. (2021). Arktik'te Büyük Meydan Okuma: Çıkar Dengesi. **Journal of Anadolu University Faculty of Economics and Administrative Sciences**, 22(1), 29-41. <https://dergipark.org.tr/tr/pub/anadoluibfd/issue/61029/887039>.
- Güçyetmez, F. (2023). The Impact of NATO Enlargement on Russian Security in the Baltic and Arctic. **Manas Sosyal Araştırmalar Dergisi**, 12(4), 1564-1578. doi:10.33206/mjss.11267796.
- Joanna Hosa(2023), FEELING THE CHILL: NAVIGATING ARCTIC GOVERNANCE AMID RUSSIA'S WAR ON UKRAINE. <https://ecfr.eu/wp-content/uploads/2023/05/Feeling-the-chill-Navigating-Arctic-governance-amid-Russias-war-on-Ukraine.pdf>.

- Lagutina, Maria(2021), Russia's Arctic policies: concepts, domestic and international priorities. **THE POLAR JOURNAL** 2021, VOL. 11, NO. 1, 118–135 <https://doi.org/10.1080/2154896X.2021.1932262>.
- Leclerc, Gabija(2024), Russia's war on Ukraine: Implications for the Arctic. **EPRS | European Parliamentary Research Service**.
- Maximova, D.D. (2020), Sustainable development of the Arctic zone of the Russian Federation: problems and prospects. **ARCTIC — 2035: Topical Issues, Problems, Decisions no.** 2:30–37.
- Mikheeva, N(2020). “Russia and China: General Issues of Cooperation.” In *The Arctic: Society, Science and Law*, ed. N.K. Kharlampyeva, 101–09. SPb: St. Petersburg State University.
- O'Rourke, Ronald et al (2024), Changes in the Arctic: Background and Issues for Congress. **Congressional Research Service** <https://crsreports.congress.gov/R41153>.
- Østhagen, Andreas(2023), The Arctic after Russia's invasion of Ukraine: The increased risk of conflict and hybrid threats. **The European Centre of Excellence for Countering Hybrid Threats**, pdf.
- Putin, V. (26 October 2020), RF President's Decree no. 645, “On the Strategy for the Development of the Arctic Zone of the Russian Federation and Ensuring National Security up to 2035, <http://static.kremlin.ru/media/events/files/ru/J8FhckYOPAQQfxN6Xlt6ti6XzpTVAvQy.pdf>.
- Raimondi, Paolo(2024), The Role of the Arctic in Russia's Energy Strategy: Features, Objectives and Perspectives following Russia's War in Ukraine. **Istituto Affari Internazionali (IAI)**, pdf.
- Reuters(May 6, 2019), “Pompeo: Russia Is “Aggressive” in Arctic, China's Work There Also Needs Watching.” **REUTERS**, <https://www.reuters.com/article/us-finland-arctic-councilidUSKCN1SC1AY>.
- Sharp T. L., (2011). The Implications of Ice Melt on Arctic Security. **Defence Studies**, 11(2), 314.
- Spufford, F., (1996). **I May Be Some Time: Ice and the English Imagination**. London: Faber and Faber.
- Winkel, Jonas(2023), The Impact of the Ukraine war on the Arctic. **Austria Institut für Europa-und Sicherheitspolitik**, pdf.